



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



فہمائییت

فہمائییت

عقلمانیہ و اسلامیہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتنه وهابیت

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	فتنه وهابیت
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه ناشر
۹	پیشگفتار
۹	شرح حال محمد بن عبدالوهاب
۱۱	کشتار بی رحمانه شیعیان در کربلا
۱۳	قتل عام مردم منطقه طائف در حجاز
۱۴	تصمیم به کشتار عمومی علمای اهل سنت
۱۵	خطبه کفرآمیز سعود در مدینه منوره
۱۵	انهدام میراث فرهنگی
۱۷	تخریب آثار بزرگان مکه
۱۸	آتش زدن کتابخانه های بزرگ
۱۹	تخریب آثار بزرگان مدینه
۱۹	برخی از عقاید و فتاوی وهابیان
۲۱	مسلمانان از دیدگاه وهابیان
۲۱	تشابه بین وهابیان و خوارج
۲۲	روش های دعوت وهابیان
۲۲	اشاره
۲۲	۱ - مبارزه و مقابله با کتاب های شیعه
۲۲	۲ - تحریف کتاب ها
۲۵	۳ - مختصر کردن کتاب ها
۲۶	۴ - استفاده از موسم حج
۲۸	۵ - تهمت ها بر ضد شیعه

از عوامل تهاجم بر ضد شیعه ۲۹

وهابیت، عامل تفرقه ۳۰

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران ۳۲

پی نوشت ها ۳۷

درباره مرکز ۴۱

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور: فتنه وهابیت / مولف علی اصغر رضوانی.

مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۴۵ ص.؛ ۱۶/۵×۱۱/۵ س.م.

شابک: ۲۰۰۰ ریال: ۹۶۴-۸۴۸۴-۶۴-۳؛ ۳۵۰۰ ریال: چاپ پنجم: ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۶۴-۹

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۵.

یادداشت: چاپ پنجم ۱۳۸۹ (فیفا).

یادداشت: عنوان روی جلد: فتنه وهابیت (سلفی گری).

یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس.

عنوان روی جلد: فتنه وهابیت (سلفی گری).

موضوع: وهابیه

موضوع: وهابیه -- تاریخ

رده بندی کنگره: BP۲۳۸/۶ / ر۶ف ۲ ۱۳۸۵

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۵۲۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۱۵۴۰

ترویج فرهنگ ناب محمدی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در طول تاریخ دچار کج اندیشی ها و نابخردی هایی بوده است که نمونه بارز آن را در اندیشه وهابیت و سلفی گری می توان نظارگر بود، تفکری که همه مسلمانان جهان را از

دین اسلام خارج و فقط خود را مسلمان می دانند. عده ای اندک که با کج اندیشی، مسلمانان جهان و دیگر ادیان را دچار مشکل کرده و چهره ای خشن و کریه از دین رحمت ارائه نموده اند. معمار این اندیشه ابن تیمیه از مخالفان فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد که تفکر او از قرن هفتم تا قرن سیزدهم به فراموشی سپرده شده و مورد مخالفت اندیشمندان مذاهب اسلامی قرار گرفت ولی کمتر از یک قرن است که این تفکر انحرافی دوباره در جامعه اسلامی توسط افرادی معلوم حال مطرح می گردد. جا دارد متفکرین اسلامی، جریان های فکری منحرف را به مسلمانان جهان معرفی محور وحدت اسلامی که همان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است را تبیین نمایند، محوری که براساس محبت و پیروی از اهل بیت

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله استوار است و از فحاشی و ضرب و شتم و ترور و بمب گذاری به دور است و هیچ سنخیتی با آن ندارد. گفت و گوی در محافل علمی و معرفی اندیشه ناب، نیاز به آن حرکات انحرافی ندارد، و چنانچه در گفتار صادقند، میدان علم و اندیشه مهیا است.

تهاجم استکبار جهانی و صهیونیست ها به تفکر اصیل اسلامی از زمانی آغاز و سرعت گرفت که انقلاب شکوه مند اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله در کشور اسلامی ایران به ثمر نشست و توسط رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه هدایت گردید.

از کلیه عزیزانی که ما را در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام یاری می نمایند به ویژه تولیت محترم مسجد مقدّس جمکران حضرت آیت الله وافی و همکاران در مجموعه انتشارات و مؤلف محترم جناب استاد علی اصغر رضوانی کمال تشکر و قدردانی را داریم امید است مورد رضای حضرت حق قرار گیرد. ان شاء الله.

مسئول انتشارات مسجد مقدّس جمکران حسین احمدی

پیشگفتار

یکی از فرقه هایی که در مقابل اکثر مسلمین قرار گرفته، فرقه ای موسوم به «وهابیت» است. این فرقه منسوب به مؤسس آن، محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان نجدی است. او کسی است که با ادّعی احیای توحید و سلفی گری (همان عقاید و افکار ابن تیمیه (۱) را در شبه جزیره عربستان پیاده کرده) آل سعود نیز مجری افکار آن ها گشت. این فرقه از قرن دوازده تا کنون بر جای مانده است. جا دارد با مؤسسه این فرقه و چگونگی گسترش آن آشنا شویم.

شرح حال محمد بن عبدالوهاب

محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۱۱۱ ه. ق متولد شد و در سال ۱۲۰۶ ه. ق از دنیا رفت. دوران کودکی را در شهر خود «عیینه» در حجاز و به ویژه نجد سپری کرد. بعد از مدتی وارد حوزه علمیه حنبلی شد و نزد علمای «عیینه» به فراگیری علوم پرداخت. برای تکمیل دروس خود، وارد مدینه منوره شد. بعد از آن شروع به مسافرت به کشورهای اسلامی نمود؛ چهار سال در بصره و پنج سال در بغداد اقامت نمود. و به ایران نیز مسافرت کرد؛ در کردستان یک سال و در همدان دو سال ماند. آن گاه سفری به اصفهان و قم نمود و بعد از فراگیری فلسفه و تصوّف، به کشور خود، حجاز بازگشت. بعد از هشت ماه که در خانه خود اعتکاف نموده بود، بیرون آمد و دعوت خود را آغاز نمود.

با پدرش به شهر «حریمله» هجرت کرد، و تا وفات پدر در آنجا ماند؛ در حالی که پدرش از او راضی نبود.

از آنجا که محمد بن عبدالوهاب، عقاید خرافی خود را که برخلاف عامه مسلمانان بود و در حقیقت همان عقاید

ابن تیمیه بود منتشر می ساخت، بعد از فوت پدرش خواستند او را بکشند که به شهر خود «عیینه» فرار کرد.

قرار شد امیر شهر، عثمان بن معمر، او را یاری کند تا بتواند افکار و عقایدش را در جزیره العرب منتشر سازد. و برای تأکید این میثاق، امیر عیینه خواهرش جوهره را به نکاح محمّد بن عبدالوهاب درآورد. لکن این میثاق و ازدواج دوام نیاورد. به همین دلیل از ترس این که امیر او را ترور کند به «درعیه» شهر مسیلمه کذاب، فرار کرد.

از همان موقع که در «عیینه» بود به کمک امیر شهر درصدد اجرای عقاید و افکار خود برآمد و قبر زید بن خطاب را خراب نمود و این امر منجر به فتنه و آشوب شد. در «درعیه» نیز با محمّد بن سعود - جد آل سعود - که امیر آن شهر بود، ملاقات کرد. قرار شد محمّد بن سعود هم او را یاری کند و در عوض، او نیز حکومتش را تأیید نماید.

محمّد بن سعود نیز به جهت تأیید این میثاق، یکی از دختران خود را به نکاح او درآورد. اوّلین کار او این بود که حکم به کفر و شرک و ترور امیر «عیینه» داد و سپس آل سعود را برای حمله به «عیینه» تشویق کرد. در اثر آن حمله تعداد زیادی کشته، خانه هایشان غارت و ویران شد و به نوامیس شان هم تجاوز نمودند. این گونه بود که وهابیان حرکت خود را به اسم نصرت و یاری توحید و محاربه با بدعت و شرک و مظاهر آن شروع کردند.

محمّد بن عبدالوهاب همه مسلمانان را، بدون استثنا، تکفیر می نمود؛ به اتهام این که آنان متوسل به

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می شوند و بر قبور اولیای خود گنبد و بارگاه می سازند و به قصد زیارت قبور سفر می کنند و از اولیا طلب شفاعت می کنند و... (۲)

پس از پیروزی بر «عیننه» به سرزمین های دیگر لشکرکشی کرده و به بهانه گسترش توحید و نفی «بدعت»، «شرک» و مظاهر آن، از میان مسلمین به سرزمین نجد و اطراف آن؛ مثل یمن و حجاز و نواحی سوریه و عراق، حمله ور شدند، و هر شهری که عقاید آنان را قبول نمی کرد غارت کرده، افرادی را به خاک و خون می کشیدند. (۳)

پس از ورود به قریه «فصول» از حوالی احسا و عرضه کردن عقاید خود، مردم با آنان بیعت نکردند، در نتیجه سیصد نفر از مردان قریه را کشته، اموال و ثروت آنان را به غارت بردند. (۴)

وهابیان با این افکار خشن، باعث ایجاد اختلاف و تشّت و درگیری میان مسلمین شدند و استعمار را خشنود نمودند. تا جایی که «لورد کورزون» در توصیف شریعت و هابیت می گوید: «این عالی ترین و پربهاترین دینی است که برای مردم به ارمغان آورده شده است». (۵)

با این که محمّد بن عبدالوهاب از دنیا رفته است ولی مستشرقین و استعمارگران دائماً درصدد دفاع از افکار او هستند، تا جایی که مستشرق یهودی «جولد تسهیر» او را پیامبر حجاز خوانده و مردم را به متابعت از افکار او تحریک می نماید. (۶)

کشتار بی رحمانه شیعیان در کربلا

کشتار و هابیان در عتبات عالیات به راستی صفحه تاریخ را سیاه کرده، لکه ننگ همیشگی بر پیشانی و هابیان نهاده است.

صلاح الدین مختار که خود وهابی است، می نویسد: در سال ۱۲۱۶ ه. ق امیر سعود با لشکر انبوهی از مردم نجد و عشایر جنوب و حجاز و دیگر نقاط،

به قصد عراق حرکت کرد و در ماه ذیقعه به کربلا رسیدند. آنان تمام برج و باروی شهر را خراب کرده و بیشتر مردم را که در کوچه و بازار بودند به قتل رساندند، نزدیک ظهر با اموال و غنایم فراوان از شهر خارج شدند. آن گاه خمس اموال غارت شده را خود سعود برداشت و بقیه را به نسبت هر پیاده یک سهم و هر سواره دو سهم بین لشکریان تقسیم نمود. (۷)

شیخ عثمان نجدی از مورخان وهابی می نویسد: وهابیان، غافلگیرانه وارد کربلا شدند، بسیاری از اهل آن را در کوچه و بازار و خانه ها کشتند، روی قبر حسین علیه السلام را خراب کردند و آنچه در داخل قبه بود، به چپاول بردند و هر چه در شهر از اموال، اسلحه، لباس، فرش، طلا، و قرآن های نفیس یافتند، ربودند. نزدیک ظهر از شهر خارج شدند؛ در حالی که قریب به دو هزار نفر از اهالی کربلا را کشته بودند. (۸)

برخی می نویسند که وهابیان در یک شب، بیست هزار نفر را به قتل رساندند. (۹)

میرزا ابوطالب اصفهانی در سفرنامه خود می نویسد: هنگام برگشت از لندن و عبور از کربلا و نجف دیدم که قریب بیست و پنج هزار وهابی وارد کربلا شدند و صدای «اقتلوا المشرکین و اذبحوا الکافرین»؛ مشرکان را بکشید و کافران را ذبح کنید، سر می دادند، بیش از پنج هزار نفر را کشتند و زخمی ها حساب نداشت. صحن مقدس امام حسین علیه السلام از لاشه مقتولین پر و خون از بدن های سر بریده روان بود.

من بعد از یازده ماه مجدداً به کربلا رفته بودم، دیدم که مردم آن حادثه دلخراش را نقل و گریه می کنند، به طوری که

از شنیدن آن، موها بر اندام راست می شد. (۱۰)

وهابیان بعد از کشتار بی رحمانه اهل کربلا و هتک حرمت حرم حسینی علیه السلام با همان لشکر راهی نجف اشرف شدند، ولی مردم نجف به خاطر آگاهی از جریان قتل و غارت کربلا و آمادگی دفاعی به مقابله برخاستند و حتی زن ها از منزل ها بیرون آمده و مردان خود را به دفاع، تشجیع و تحریک می کردند تا اسیر قتل و چپاول وهابیان نشوند.

در سال ۱۲۱۵ ه. ق نیز گروهی از وهابیان برای انهدام مرقد مطهر حضرت امیرعلیه السلام عازم نجف اشرف شدند که در مسیر با عده ای از اعراب درگیر شده و شکست خوردند. (۱۱)

آنان در مدت نزدیک به ده سال، چندین بار حملات شدیدی به شهر کربلا و نجف داشتند. (۱۲)

قتل عام مردم منطقه طائف در حجاز

شاید بعضی تصور کنند که وهابیان فقط بلاد شیعه نشین را مورد تاخت و تاز قرار داده اند، ولی با یک نگاهی به عملکرد سپاه آنان در حجاز و شام روشن خواهد شد که حتی مناطق سنی نشین نیز از حملات وحشیانه آنان در امان نبوده است.

جمیل صدقی زهاوی درباره حمله وهابیان به طائف می نویسد: از زشت ترین کارهای وهابیان در سال ۱۲۱۷ ه. ق قتل عام مردم طائف است که بر صغیر و کبیر رحم نکردند؛ طفل شیرخوار را بر روی سینه مادرش سر بریدند، جمعی را که مشغول فرا گرفتن قرآن بودند کشتند و حتی گروهی که در مسجد مشغول نماز بودند به قتل رساندند، و کتاب ها که در میان آن ها تعدادی قرآن و نسخه هایی از صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتب حدیث و فقه بود، در کوچه و بازار افکندند و آن ها را پایمال کردند. (۱۳)

وهابیان پس از قتل عام

مردم طائف، طی نامه ای علمای مکه را به آیین خود دعوت کردند. آنان در کعبه گرد آمدند تا به نامه وهابیان پاسخ گویند که ناگهان جمعی از ستمدیدگان طائف داخل مسجد الحرام شدند و آنچه بر آنان گذشته بود بیان داشتند و مردم سخت به وحشت افتادند، چندان که گویی قیامت بر پا شده است.

آن گاه علما و مفتیان مذاهب اربعه اهل سنت که از مکه مکرمه و سایر بلاد اسلامی برای ادای مناسک حج آمده بودند، به کفر وهابیان حکم کردند و بر امیر مکه واجب دانستند که به مقابله با آنان بشتابد و افزودند که بر مسلمانان واجب است در این جهاد شرکت نمایند و در صورت کشته شدن، شهید خواهند بود. (۱۴)

تصمیم به گشتار عمومی علمای اهل سنت

دریادار سرتیپ ایوب صبری، سرپرست مدرسه عالی نیروی دریایی در دولت عثمانی می نویسد: عبدالعزیز بن سعود که تحت تأثیر سخنان محمد بن عبدالوهاب قرار گرفته بود، در اولین سخنرانی خود در حضور شیوخ قبایل گفت: ما باید همه شهرها و آبادی ها را به تصرف خود درآوریم و احکام و عقاید خود را به آنان بیاموزیم... برای تحقق بخشیدن به این آرزو ناگزیر هستیم که عالمان اهل سنت را که مدعی پیروی از سنت سنیّه نبویه و شریعت شریفه محمدیه هستند از روی زمین برداریم.

و به عبارت دیگر، مشرکانی را که خود را به عنوان علمای اهل سنت قلمداد می کنند، از دم شمشیر بگذرانیم؛ به ویژه علمای سرشناس و مورد توجه را؛ زیرا تا این ها زنده هستند هم کیشان ما روی خوشی نخواهند دید. از این رهگذر باید نخست کسانی که خود را به عنوان عالم خودنمایی می کنند ریشه کن نموده، سپس بغداد را تصرف

کرد. (۱۵)

همو می نویسد: سعود بن عبدالعزيز در سال ۱۲۱۸ ه. ق به هنگام تسلط بر مکه مکرمه، بسیاری از دانشمندان اهل سنت را بی دلیل به شهادت رساند و بسیاری از اعیان و اشراف را بدون هیچ اتهامی به دار آویخت و هر که در اعتقادات مذهبی ثبات قدم نشان داد، به انواع شکنجه ها تهدید کرد. آن گاه منادیانی فرستاد که در کوچه و بازار بانگ زدند:

«أدخلوا في دين سعود وتظّلوا بظّله الممدود» هان ای مردمان! به دین سعود داخل شوید و در زیر سایه گسترده اش مأوا گزینید!! (۱۶)

خطبه کفر آمیز سعود در مدینه منوره

سعود بن عبد العزيز پس از تصرف مدینه منوره، همه اهالی مدینه را در مسجد النبی گرد آورد و درهای مسجد را بست و این گونه سخن آغاز نمود: «هان ای مردم مدینه! بر اساس آیه شریفه «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»؛ دین و آیین شما امروز به کمال رسید و به نعمت اسلام مشرف شدید، حضرت احدیت از شما راضی و خشنود گردید. ادیان باطله نیاکان خود را رها کنید و هرگز از آن ها به نیکی یاد نکنید، از درود و رحمت فرستادن بر آن ها به شدت پرهیز نمایید؛ زیرا همه آن ها به آیین شرک در گذشته اند». (۱۷)

انهدام میراث فرهنگی

حفظ تاریخ گذشتگان و صیانت از میراث فرهنگی نیاکان، نشانگر تمدن یک جامعه به شمار می رود که دولت ها برای پاسداری از آن ها، ادارات ویژه تأسیس نموده و کارشناسان ماهر تربیت می کنند و در این عرصه اجازه نمی دهند که حتی یک سفال و یا کتیبه کوچک سنگی از بین برود.

شکی نیست که تمدن اسلامی تنها تمدن پیشتاز عصر خویش بود که مسلمانان در پرتو تعالیم آسمانی خویش آن را پی ریزی نمودند.

شکوفایی این تمدن در قرن چهارم و پنجم هجری قمری به اوج خود رسید و به شهادت محققان غربی، نفوذ این تمدن از طریق اندلس و جنگ های صلیبی به اروپا یکی از مهم ترین علل شکوفایی و رنسانس غرب در قرون اخیر به شمار می رود.

آثار و ابنیه مربوط به شخص پیامبر صلی الله علیه وآله و یاران باوفای او جزئی از میراث عمومی این تمدن بزرگ بوده، حفظ و صیانت از آن ها نشانه تقدیر از بنیانگذاران این فرهنگ و تمدن به شمار می رود. اقدام به تخریب و نابودی این آثار،

نشانه انحطاط فکری و بی توجهی به سازندگان و بنیان گذاران تاریخ و تمدن می باشد که در اثر مرور زمان، واقعیت تاریخ و اصالت دینی به دست فراموشی سپرده می شود. و از همه مهم تر، عامل رکود انگیزه های فکری و نابودی استعداد های درخشان در جامعه بشری می گردد.

با مراجعه به قرآن کریم روشن می شود که امت های پیشین برای حفظ و صیانت از آثار پیامبران خود اهتمام می ورزیدند و به آن تبرک می جستند؛ همانند صندوقی که در آن موارث خاندان موسی و هارون قرار داشت و آن را در نبردها حمل می کردند تا از طریق تبرک به آن بر دشمن پیروز گردند. خداوند متعال در این زمینه می فرماید:

« وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ »؛ (۱۸) «و پیامبرشان به آن ها گفت: نشانه حکومت او این است که "صندوق عهد" را به سوی شما خواهد آورد [همان صندوقی که در آن آرامشی از پروردگار شما و یادگارهای خاندان موسی و هارون قرار دارد].»

جلال الدین سیوطی نقل می کند که وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله آیه شریفه « فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ » را در مسجد تلاوت نمود، فردی برخاست و پرسید: مقصود از این خانه ها چیست؟ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: خانه های پیامبران. در این موقع ابوبکر برخاست و به خانه علی و زهرا علیهما السلام اشاره کرد و گفت: ای پیامبر خدا! این خانه از همین خانه هاست که خدا رخصت بر رفعت و منزلت آن داده است؟ حضرت فرمود: آری، بلکه از برترین آن ها است. (۱۹)

این قضیه نشان می دهد که خانه های پیامبران و صالحان، از اعتبار و

جایگاه خاصی برخوردار است و پیدا است که این منزلت ارتباط به جنبه مادی و خشت و گل و آجر آن ها ندارد؛ بلکه این ارزش به خاطر انسان های والایی است که در آنجا سکونت گزیده اند.

سیر و سیاحت در کشورهایی که قبور انبیا و فرزندان آنان علیهم السلام قرار دارد، نشان می دهد که پیروان پیامبران نسبت به حفظ قبور آنان و ساختن بناهای مجلل بر روی آن ها، اهتمام خاصی می ورزیدند، و سپاه اسلام نیز هنگام فتح شامات دست به تخریب قبور پیامبران نزدند، بلکه خادمان آن ها را در مأموریت خود ابقا کردند. و لذا این بناها تا امروز محفوظ مانده و برای مسلمانان، بلکه برای تمام موحدان جهان جاذبه خاصی دارد.

اگر ساختن بنا بر قبور انبیا و اولیا نشانه شرک بود، جا داشت فاتحان منصوب از سوی خلفا به تخریب و نابودی آن ابنیه می پرداختند.

کتب تاریخی و سفرنامه ها، گواه وجود صدها آرامگاه و مرقد با شکوه در سرزمین وحی و کشورهای اسلامی است.

مسعودی متوفای ۳۴۵ ه. ق مورخ معروف، مشخصات کامل قبور ائمه بقیع و اهل بیت را بیان نموده است. (۲۰) و ابن جبیر اندلسی جهانگرد معروف اواخر قرن ششم که مشرق زمین را سه بار زیر پا نهاده است، در سفرنامه خود مشاهد انبیا و صالحان و ائمه اهل بیت علیهم السلام را در مصر، مکه، مدینه، عراق و شام به تفصیل بیان داشته و در ضمن ویژگی های روضه ائمه بقیع و خصوصیات ضریح آن ها را بیان نموده است. (۲۱)

تخریب آثار بزرگان مکه

وهابیان در سال ۱۲۱۸ ه. ق پس از مسلط شدن بر مکه، تمام آثار بزرگان دین را تخریب نمودند.

آنان در معلى قبه زادگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه

وآله را و همچنین قبه زادگاه ابوبکر و امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام را ویران و با خاک یکسان کردند. و تمام آثار باستانی که در اطراف خانه خدا و بر روی زمزم بود، تخریب کرده و در تمام مناطقی که مسلط می شدند، آثار صالحین را نابود می کردند. آنان هنگام تخریب، طبل می زدند و به رقص و آوازه خوانی می پرداختند. (۲۲)

آنان شقاوت را به جایی رساندند که خانه حضرت خدیجه علیها السلام را به توالف تبدیل کردند و تصمیم داشتند که زادگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله را نیز چنین کنند که یک فرد خیری در آنجا کتابخانه ای تأسیس کرد و از کار زشت وهابیان جلوگیری نمود. (۲۳)

آتش زدن کتابخانه های بزرگ

دردناک ترین کاری که وهابیت مرتکب شد و ننگ آن برای ابد در پیشانی آنان باقی ماند، آتش زدن کتابخانه بزرگ «المکتبه العربیه» بود که بیش از ۶۰ هزار عنوان کتاب گرانقدر کم نظیر و بیش از ۴۰ هزار نسخه خطی منحصر به فرد داشت که در میان آن ها برخی از آثار خطی دوران جاهلیت و قرارداد یهودیان با کفار قریش بر ضد رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشت، و همچنین آثار خطی حضرت علی علیه السلام و ابوبکر و عمر و خالد بن ولید و طارق بن زیاد و برخی از صحابه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و قرآن مجید به خط عبدالله بن مسعود بود.

در همین کتابخانه انواع سلاح های رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بت هایی که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بود؛ مانند «لات»، «عزی»، «منات» و «هبل» وجود داشت.

ناصر السعید از قول یکی از مورخان نقل می کند که هنگام تسلط وهابیان، این کتابخانه را به بهانه وجود

کفریات در آن به آتش کشیدند و به خاکستر تبدیل کردند. (۲۴)

تخریب آثار بزرگان مدینه

آل سعود در سال ۱۳۴۴ ه. ق که تسلط کامل بر حجاز یافت، تمام آثار صحابه را در مدینه نابود کرد؛ مانند زادگاه امام حسن و امام حسین علیهما السلام در مدینه، قبور شهدای بدر، بارگاه ائمه بقیع (امام حسن، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام) و بیت الأحزانی که امام علی علیه السلام برای حضرت زهرا علیها السلام بنا نهاده بود و مرقده مطهر فاطمه بنت اسد مادر امیرمؤمنان علیه السلام.

برخی از عقاید و فتاوی و هابیان

- ۱ - حرمت رفتن به زیارت قبور اولیای الهی.
- ۲ - حرمت بنا بر قبور انبیا و اولیا، به خاطر شرک دانستن این عمل.
- ۳ - حرمت ساختن مسجد بر قبور اولیا.
- ۴ - حرمت نماز و دعا خواندن در کنار قبور اولیا.
- ۵ - حرمت و شرک دانستن تبرک به آثار انبیا و اولیا.
- ۶ - حرمت صدا زدن انبیا و اولیا بعد از مرگ و شرک دانستن آن.
- ۷ - حرمت استغاثه به اولیای خدا بعد از مرگ و شرک دانستن آن.
- ۸ - حرمت کمک خواستن از اولیای الهی بعد از مرگ و شرک دانستن آن.
- ۹ - حرمت شفاعت خواستن از اولیا بعد از مرگ و شرک دانستن آن.
- ۱۰ - حرمت قسم خوردن به غیر خدا؛ مثل پیامبر یا ولی یا کعبه و شرک دانستن آن.
- ۱۱ - حرمت قسم دادن بر خدا به حقّ نبی یا ولی.
- ۱۲ - حرمت نذر برای پیامبر یا ولی.
- ۱۳ - حرمت برپایی جشن در اعیاد و موالید انبیا و اولیا.
- ۱۴ - حرمت برپایی عزا در سوک اولیا.

۱۵ - حرمت چراغ روشن کردن بر سر قبور.

۱۶ - حرمت تعمیر قبور اولیا و تزئین آن ها.

۱۷ - حرمت اقامه عزا و مجالس فاتحه.

۱۸ - حرمت توسل به

انبیا و اولیا و نسبت شرک دادن به آن.

مسلمانان از دیدگاه وهابیان

وهابیان، تنها خود را مسلمان و اهل توحید خالص دانسته و بقیه مسلمانان را مشرک و فاقد احترام می دانند که خانه هایشان جای حرب و شرک است و معتقدند که تنها شهادت به «لا اله الا الله و محمد رسول الله» کافی نیست؛ در حالی که مسلمانی تبرک به مسجد رسول، یا قصد زیارت رسول یا طلب شفاعت از او و غیره دارد. آنان معتقدند: کسانی که معتقد به توسل، شفاعت، استغاثه به ارواح اولیای الهی، تبرک و غیره اند، مشرکند هر چند اسم مسلمان را بر خود نهاده اند و چه بسا شرک آنان از شرک عصر جاهلیت خطرناک تر است. (۲۵)

محمد بن عبدالوهاب در کتاب «کشف الشبهات»، لفظ شرک و مشرکین را بر مسلمانانی که تابع عقاید ایشان نیستند تقریباً ۲۴ بار تکرار کرده است. همچنین تعبیرهایی از قبیل: کفار، عبادت کنندگان بت، مرتدین، مشرکین، دشمنان توحید، دشمنان خدا و مدعیان اسلام را، در حدود بیست بار به کار برده است.

تشابه بین وهابیان و خوارج

با مراجعه به تاریخ خوارج و بررسی حالات آنان روشن می شود که در موارد گوناگونی این دو فرقه شبیه یکدیگرند، که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - همان گونه که خوارج آرای شاذ و خلاف مشهور داشتند؛ مثل قول به این که مرتکب گناه کبیره کافر است، وهابیان نیز چنینند.

۲ - خوارج معتقدند می توان دار الاسلام را در صورتی که ساکنان آن مرتکب گناه کبیره شوند، دار الحرب نامید. وهابیان نیز این گونه اند.

۳ - در سخت گیری در دین و جمود و تحجر در فهم آن شبیه هم بودند؛ خوارج به کلمه «لا حکم الا لله» تمسک کرده و امام علی علیه السلام را از حکم خلع کردند، وهابیان نیز با ملاحظه

برخی از آیات و عدم توجه به بقیه، حکم به تکفیر مسلمین نمودند.

۴ - همان گونه که خوارج از دین خارج شدند، وهابیان نیز با اعتقادات خرافی و باطل از دین خارج شدند. لذا در صحیح بخاری حدیثی آمده است که بر آنان قابل انطباق است:

بخاری به سند خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند که فرمود: «مردانی از طرف مشرق زمین خروج می کنند، آنان قرآن می خوانند، ولی از گلوی آنان تجاوز نمی کند، از دین خارج می شوند؛ همان گونه که تیر از کمان خارج می شود. علامت آنان تراشیدن سر است». (۲۶)

قسطلانی در ارشاد الساری (۲۷) در شرح این حدیث می گوید: «من قبل المشرق» یعنی از طرف شرق مدینه؛ مثل نجد و مانند آن.

می دانیم که نجد مرکز وهابیان و موطن اصلی آنان بود که از آنجا به دیگر شهرها منتشر شدند. و همچنین تراشیدن موی سر و بلند گذاشتن ریش از شعارها و نشانه های آنان است.

۵ - در احادیث در وصف خوارج می خوانیم: «آنان اهل اسلام را می کشند و بت پرستان را رها می کنند». (۲۸) این عمل عیناً در وهابیان مشاهده می شود.

۶ - عبدالله بن عمر در وصف خوارج می گوید: «اینان آیاتی را که در شأن کفار نازل گشته می گرفتند و بر مؤمنین حمل می نمودند». این عمل در وهابیان نیز هست.

روش های دعوت وهابیان

اشاره

اینان برای پیشبرد عقاید و افکار خود از راه های مختلف استفاده می کنند که به برخی از آن ها اشاره می کنیم:

۱ - مبارزه و مقابله با کتاب های شیعه

وهابیان با شیوه های مختلف درصدد مقابله با شیعه و آثار علمی آنان برآمده اند؛ زیرا شیعه امامیه بیشتر از بقیه مذاهب اسلامی به طرح مباحث علمی می پردازد. چرا این همه مقابله با شیعه؟ اگر حرف آنان مطابق با حق است و دیگران بر باطل، چرا از باطل می ترسند؟ چرا مانع از نشر کتاب های شیعه در میان جوانانند؟ چرا اگر یک دانشجوی وهابی کتابی از شیعه در دستش باشد، باید از مراکز علمی اخراج شود؟ چرا نمی گذارند صاحبان فکر و اندیشه، خود تصمیم بگیرند؟ چرا آثار شیعی که در نمایشگاه بین المللی کتاب مصر عرضه شد، باید توسط وهابیان خریداری و سوزانده شود؟ (۲۹)

۲ - تحریف کتاب ها

یکی از راه های مقابله با مخالفین نزد وهابیان، تحریف کتاب های حدیثی و تفسیری و تاریخی اهل سنت است. روایات و کلماتی که بر ضد آنان آمده را تحریف می کنند، آن گاه سفارش چاپ آن را به چاپ خانه ها می دهند. لذا اگر کسی در کتاب خود به حدیثی استدلال کرده، و مصدر آن را نیز ذکر می نموده، با مراجعه به چاپ های جدید اثری از حدیث نمی یابد ولی با مراجعه به چاپ های قدیم پی می بریم که این حدیث در چاپ های بعد حذف شده است. خصوصاً این که سعی می کنند با چاپخانه ها ارتباط برقرار کرده یا با آنان شریک شوند، و با پایین آوردن قیمت کتاب های تحریف شده، یا مجانی کردن آن، به دست اکثر جامعه برسانند.

محمد نوری دیرثوی می گوید: «تحریف و حذف احادیث از کارهای دایمی و همیشگی وهابیان است؛ به عنوان نمونه، نعمان آلوسی تفسیر پدرش شیخ محمود آلوسی را به نام روح المعانی تحریف نمود، و مطالبی را که به ضرر وهابیان بود حذف کرد و اگر

این تحریف نبود تفسیر او نمونه تفاسیر محسوب می شد».

نمونه دیگر این که در معنی ابن قدامه حنبلی، بحث «استغاثه» را حذف کردند؛ زیرا در نظر آنان شرک محسوب می شود، آن گاه آن را چاپ نمودند. شرح صحیح مسلم را با حذف احادیث صفات، چاپ مجدد نمودند. (۳۰)

این کارها متأسفانه در میان آنان رواج فراوان دارد؛ خصوصاً نسبت به احادیث و قسمت هایی از تاریخ که فضیلتی از فضایل اهل بیت علیهم السلام در آن بوده و یا ذکری از لغزش خلفا و یا یکی از صحابه است.

از باب نمونه در تفسیر «جامع البیان» طبری در ذیل آیه شریفه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» حدیث آغاز دعوت را این گونه نقل می کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کدام یک از شما وزیر و کمک کار من در این امر - امر رسالت - خواهد شد تا برادر من و کذا و کذا باشد». بعد از آن که علی علیه السلام این مقام را پذیرفت پیامبر به علی علیه السلام فرمود: «تو برادر من و کذا و کذا هستی». (۳۱) با مراجعه به تاریخ طبری پی می بریم که به جای کذا و کذا «وصیی و خلیفتی» بوده که دست تحریف، آن ها را حذف کرده و به جای آن کلماتی مبهم قرار داده است؛ زیرا این گونه احادیث با عقایدشان سازگاری ندارد.

گاهی هم لغزش های خلفا یا مناقب اهل بیت علیهم السلام را این گونه تحریف می کنند که به جای آن ها چند نقطه می گذارند. خواننده نمی داند که به جای این نقطه ها، چه مطالب حساسی است که می تواند سرنوشت تاریخ را عوض کند.

در برخی از موارد نیز صدر یا ذیل حدیث را حذف می کنند؛ زیرا با عقایدشان سازگاری ندارد، همان گونه که بخاری در

موارد زیادی این چنین کرده است. گاهی نیز اگر حدیث را به جهت شهرت نمی توانند حذف کنند، درصدد تضعیف آن بدون هیچ دلیل و مدرکی بر می آیند؛ همان گونه که ابن تیمیه نسبت به حدیث غدیر و حدیث ولایت و دیگر احادیث این چنین کرده است. در برخی از موارد هم کلمات را تغییر داده تا معنایی دیگر از آن فهمیده شود، همان گونه که در قضیه «لیله المیت» به جای کلمه: بات علی فراشه، کلمه «بال»؛ یعنی بول کرد، آورده اند.

از جمله شواهد بر تحریف به نقصان، این است که برخی از مصادر حدیثی که از کتابی نقل می کنند، با مراجعه به آن کتاب اثری از آن نمی بینیم!

به عنوان مثال: حدیث «امان» را که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«النجوم أمان لأهل السماء فإذا ذهب ذهبوا، وأهل بيتي أمان لأهل الأرض فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض» را برخی از مصادر حدیثی از مسند احمد بن حنبل نقل می کنند، ولی الآن در آن کتاب موجود نیست.

و نیز حدیث: «أنا مدينة العلم وعلي بابها» را ابن اثیر در جامع الأصول و سیوطی در تاریخ الخلفاء و ابن حجر در الصواعق المحرقة از صحیح ترمذی نقل می کنند در حالی که این حدیث الآن در آن کتاب موجود نیست.

۳ - مختصر کردن کتاب ها

یکی دیگر از راه کارهای تبلیغی و هاییان، مختصر کردن کتاب ها و متون اصلی حدیثی، تاریخی و تفسیری است؛ به این طریق که بخش هایی را که موافق با عقایدشان نیست به عنوان این که کتاب را می خواهند مختصر کنند تا برای مردم بیشتر قابل نفع باشد، حذف می کنند و سپس آن را به چاپ خانه ها می دهند و با همان وضع به بازار عرضه کرده، گاهی به

صورت رایگان در بین مردم پخش می کنند و این گونه حقایق را تحریف کرده و به عنوان مسلمات تاریخ، حدیث و تفسیر به جامعه تحمیل می کنند.

ما با تلخیص برخی از کتاب های مطّول و مفصّل مخالف نیستیم؛ زیرا امروزه بشر به جهت اشتغال زیاد، کمتر می تواند به مطالعه کتاب های مفصّل پردازد، لکن با اختصار گزینشی و مغرضانه مخالفیم.

در این کتاب های مختصر تاریخی، مطاعنی را که در خصوص خلفا حتی معاویه، یزید و برخی از صحابه وارد شده حذف می کنند و نیز فضایل اهل بیت علیهم السلام را از جای جای آن کتاب ها برمی دارند؛ در حالی که به احادیث جعلی که در شأن و منزلت خلفا و برخی از صحابه در آن کتاب آمده، کاری ندارند! و معلوم است با این عمل زشت و جنایت فرهنگی، چه ظلمی در حق خوانندگان که قضاوت کنندگان در طول تاریخند، می شود. و چگونه کسانی که نامقدسند، مقدس شمرده شده و در مقابل، کسانی که مقدسند به فراموشی سپرده می شوند.

۴ - استفاده از موسم حج

یکی دیگر از شگردهای تبلیغی، استفاده فراوان از موسم حج است؛ موسمی که در آن صدها هزار حاجی مسلمان از اطراف عالم جمع می شوند، وهابیان از این موقعیت به خوبی در نشر افکار خود سوء استفاده می کنند. مبلغین را بین حجّاج به زبان های مختلف می فرستند، و با بحث علمی و اهدای کتاب و دعوت به مراکز علمی شان - اگر از شخصیت های علمی باشند - به تبلیغ مذهب خود می پردازند. حتی اخیراً مشاهده شده که در بین حجّاج ایرانی کتاب های فارسی بر ضدّ شیعه را در تیراژ بسیار بالا به طور رایگان توزیع می کنند، کتاب هایی که بسیار مرموزانه نوشته شده و درصدد تثبیت عقاید خود

و تخریب عقاید شیعه و مذاهب دیگر اسلامی است.

لازم به ذکر است عقاید پوچ وهابیان نه تنها به شیعیان تأثیر نمی گذارد، بلکه سایر مذاهب اهل سنت نیز از عقاید و عملکرد آن ها بیزار هستند. نمونه شکست آنان را در ایجاد گروه انحرافی طالبان و القاعده و فرجام آنان می توان دریافت.

طبق اظهارات یکی از بزرگان، در کشور تاجیکستان از سوی وهابی ها باغ بزرگی تهیه و از فرهنگیان جهت تدریس در محیط دانشگاه و مدارس اقدام به ثبت نام نموده و پس از یک دوره سه ماهه، حدود ۴۰۰ نفر از برگزیدگان را به عربستان برده و در دانشگاه «الاسلامیه» مدینه منوره طی دو سال دوره آموزش مبانی وهابیت و راه مبارزه با فرهنگ شیعه، آنان را به شهرهای مختلف تاجیکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه اعزام کرده اند. مشابه این کار در آذربایجان شوروی نیز انجام گرفته و حتی اسم کسانی را که همنام ائمه علیهم السلام بودند، تغییر داده و سپس آنان را برای ترویج افکار وهابیت به کشور مبدأ اعزام نموده اند.

فقط در ایام حج سال ۱۳۸۱، ده میلیون و ۶۸۵ هزار جلد کتاب به ۲۰ زبان زنده دنیا، (غالباً بر ضد شیعه) توسط دولت سعودی در میان زائران خانه خدا، توزیع شده است. (۳۲)

یکی از روحانیون سرشناس شیعه در منطقه قطیف کشور سعودی، در شب ۱۲ رجب سال جاری (۱۳۸۲) در مکه مکرمه اظهار داشت: کتاب «لله ثم للتاریخ» که ضد شیعه است را با کامیون های بزرگ در منطقه قطیف و احساء در میان شیعیان به رایگان توزیع کرده اند.

همین کتاب، در کشور کویت سال ۱۳۸۰ در یکصد هزار تیراژ چاپ و منتشر گردید که توسط دانشمند متعهد

جناب آقای مه‌ری (نماینده ولی فقیه) به دولت کویت اعلام گردید: اگر از نشر و توزیع این کتاب موهن و ضدّ شیعه جلوگیری نشود، بیم آن می‌رود که کویت، به لبنان دیگری در منطقه تبدیل شود. (۳۳)

۵ - تهمت‌ها بر ضد شیعه

آقای دکتر عبداللّه محمّد غریب از یکی از نویسندگان مصری در کتاب مملوّ از دروغ و تهمت خود «و جاء دور المجوس» می‌نویسد:

«نهضت (امام) خمینی، یک نهضت مجوسی، عجمی و کسروی است، نه نهضت اسلامی، عربی و محمّدی.» (۳۴)

او کینه تیزی و دشمنی را تا آنجا پیش برده که می‌نویسد:

«می‌دانیم که خطر حاکمان تهران برای اسلام از خطر یهود بر اسلام، سخت‌تر است و از آنان هیچ امید خیری انتظار نمی‌رود و نیک می‌دانیم که آنان به زودی با یهود، همداستان شده و به جنگ با مسلمانان خواهند آمد!» (۳۵)

این در حالی است که تمام دنیا می‌دانند که امروز برای حکومت غاصب صهیونیستی، دشمنی، سخت‌تر از نظام اسلامی نیست و افتخار این نظام این است که به مجرد پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت دولت غاصب اسرائیل را برای همیشه در ایران تعطیل و به جای آن سفارت فلسطین را گشود.

دکتر ناصرالدین قفاری از اساتید دانشگاه‌های مدینه منوره، در کتاب «اصول مذهب الشیعه الإمامیه» که رساله دکترای او بوده، نوشته است:

«(امام) خمینی، نام خود را در اذان نمازها داخل کرده و حتّی نام خود را بر نام پیامبر نیز مقدمّ نموده است. در ایران، اذان در نمازها - بعد از دست گرفتن (امام) خمینی زمام حکومت را به عنوان حاکم ایران و حاکم همه جوامع (مسلمانان) - چنین است: اللّٰه اکبر، اللّٰه اکبر، خمینی رهبر؛ یعنی خمینی پیشوای ماست، سپس (می‌گویند): اشهد أنّ محمّداً

این در حالی است که هر کس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به شهرهای مختلف و مساجد این کشور برود پی به دروغ بودن این نسبت ناروا می برد. آری! آنچه واقعیت دارد این که نماز گزاران پس از اتمام نماز در دعای دسته جمعی که می خوانند رهبری امام خمینی رحمه الله را اعلام می دارند.

از عوامل تهاجم بر ضد شیعه

یکی از انگیزه های تهاجم وسیع وهابیت بر ضد مذهب اهل بیت علیهم السلام ترس و وحشت آنان از گسترش فرهنگ برخاسته از قرآن در میان جوانان و دانشمندان تحصیل کرده و استقبال آنان از این مکتب نورانی مطابق با سنت راستین محمدی صلی الله علیه و آله است. به چند نمونه توجه کنید:

دکتر عصام العماد، فارغ التحصیل دانشگاه «الإمام محمد بن سعود» در ریاض و شاگرد بن باز (مفتی اعظم سعودی) و امام جماعت یکی از مساجد بزرگ صنعاء و از مبلغین وهابیت در یمن که کتابی نیز در اثبات کفر و شرک شیعه تحت عنوان: «الصله بین الإثنی عشریه و فرق الغلاه» نوشته است، ضمن آشنایی با یکی از جوان های شیعه، با فرهنگ نورانی تشیع آشنا شده و از فرقه وهابیت دست می کشد و به مذهب شیعه مشرف می گردد.

دکتر عصام در کتابی که به همین مناسبت تألیف نموده، می نویسد:

«و هر اندازه که کتاب های برادران خود از وهابیان را می خوانیم، به یقینمان اضافه می شود که آینده برای مذهب دوازده امامی است؛ زیرا آنان (با تندروی که دارند) سبب حرکت سریع برای این مذهب در بین وهابیان و دیگر مسلمانان می باشند.» (۳۷)

آن گاه از قول شیخ عبدالله الغنیمان استاد «دانشگاه اسلامی» در مدینه منوره نقل می کند:

«وهابیان به یقین دریافته اند، تنها مذهبی که در آینده، اهل سنت و

وهابیت را به طرف خود جذب خواهد کرد، همان مذهب شیعه امامی است.» (۳۸)

آقای شیخ ربیع بن محمّد، از نویسندگان بزرگ سعودی می نویسد:

«و از جمله اموری که تعجبم را از این جهت زیاد کرده این است که برادرانی از ما و از آن جمله فرزندان یکی از علمای بزرگ و مشهور در مصر و هم چنین طالبان علمی که مدتی طولانی با ما در حلقه های علم مجالست داشته اند، و نیز برخی از برادرانی که ما حسن ظنّ به آن ها داشتیم، این راه و روش را دنبال کرده اند، و این راه جدید همان "تشیع" است. و به طبیعت حال، من از اولین لحظه درک کردم که این برادران را همانند دیگر افراد در عالم اسلام، پرتوهای نورانیت انقلاب اسلامی مبهوت کرده است.» (۳۹)

شیخ محمّد مغراوی از دیگر نویسندگان مشهور وهابی می گوید:

«بعد از انتشار مذهب دوازده امامی در شرق عالم اسلامی، بر جوانان در کشورهای مغرب ترسیدم...» (۴۰)

دکتر ناصر بن عبداللّه بن علی قفاری استاد دانشگاه های مدینه می نویسد:

«و به طور جزم به سبب کوشش هایی که بزرگان دوازده امامی انجام داده اند عده ای از جوانان مسلمان، شیعه شده اند. و هر کسی کتاب "عنوان المجد فی تاریخ البصره و نجد" را مطالعه کند، این امر او را به وحشت می اندازد که برخی از قبایل، تماماً شیعه شده اند.» (۴۱)

جالب تر از این ها، سخن شیخ مجدی محمّد علی محمّد نویسنده بزرگ وهابی است که می گوید:

«یکی از جوان های اهل سنت با حالت حیرت نزد من آمد. انگیزه حیرت او را جويا شدم، دریافتم که دست یک شیعه به وی رسیده است و این جوان سنی تصوّر کرده که شیعیان، ملائکه رحمت و شیر بیشه حق می باشند.» (۴۲)

وهابیت، عامل تفرقه

ملت مسلمان

که با الهام از رهنمودهای حیات بخش اسلام توانسته بود پیوند اخوت در میان خود ایجاد نماید و در پرتو کلمه توحید و توحید کلمه در برابر تهاجم سنگین صلیبیان و قساوت های ثنویان (مغول) ثابت و استوار بمانند، ولی با کمال تأسف با ظهور مکتب وهابیت در قرن هفتم این وحدت در هم شکست. و با اتهام نادرست بدعت و شرک به مسلمانان، ضربات جبران ناپذیری به صفوف به هم پیوسته آنان وارد ساخت، و با نابودی آثار بزرگان دین و کاستن از مقام انبیا و اولیا، در خدمت استعمار شوم غرب و دشمنان دیرینه اسلام درآمد.

در قرن ۱۲ ه. ق. محمد بن عبدالوهاب مروج اصلی افکار وهابیت، مسلمانان را به جرم استغاثه به انبیا و اولیای الهی مشرک و بت پرست قلمداد کرد و فتوا بر تکفیر آنان داد و خونشان را حلال و قتل آنان را جایز و اموال آنان را جزء غنایم جنگی به حساب آورد و لذا هزاران مسلمان بی گناه را به خاک و خون کشیدند.

امروز مفتیان وهابی که عملاً در خدمت بیگانگان قرار گرفته اند، با فتوا به حرمت ازدواج با شیعه و نجاست ذبیحه آنان و حرمت پرداخت زکات به فقرای شیعه راه هر گونه وحدت را مسدود می کنند.

شیخ عبدالله جبرین، یکی از علمای بزرگ و عضو دارالافتای عربستان، در پاسخ به استفتایی درباره مجزی بودن پرداخت زکات و صدقات به فقرای شیعه می گوید: «زکات نباید به کافر و بدعت گذار پرداخت شود و رافضیان... بدون شک کافرنند... لذا اگر صدقه به ایشان پرداخت شده باید اعاده شود؛ زیرا این صدقه به کسی داده شده که از آن برای کفر کمک می گیرد

و در حال جنگ با اسلام و تسنن است؛ پرداخت زکات به این گروه حرام است».

گفته می شود: وی فتوای دیگری نیز بر ضد شیعه صادر کرده که از جمله آن، مباح شمردن قتل شیعیان است. (۴۳)

هیأت دائم افتای سعودی در پاسخ به استفتایی در مورد ازدواج با شیعه می نویسد:

«ازدواج اهل سنت با شیعه و کمونیست جایز نیست و اگر چنان ازدواجی صورت گرفته، باطل است، چون عادت شیعه استغاثه به اهل بیت [عصمت و طهارت علیهم السلام است و این بزرگ ترین شرک به شمار می رود.]» (۴۴)

با این که این گروه درباره ازدواج با یهودی و مسیحی پاسخ داده اند:

«ازدواج مسلمان با اهل کتاب؛ اعم از یهودی و نصرانی، در صورتی که اهل فحشا نباشد، جایز است.» (۴۵)

یا در کتابی که با حمایت حاکمان مکه و مدینه در همین سال های اخیر به نام «مسأله التقرب» منتشر شد، اولین پیش شرط وحدت و تقرب با شیعه را اثبات مسلمان بودن شیعه دانسته اند.

بدیهی است مادامی که نگرش آنان به شیعه یک نگاه برون مذهبی است و با تبعیت از اسلاف خود، شیعه را بدتر از یهود می دانند و وجدان بشری را زیر پا نهاده و با دشمنان قسم خورده اسلام هم صدا گردیده اند، چگونه می شود به تقرب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمین که از نیازهای جامع اسلامی است دست یافت؟

در پایان عزیزانی که نیاز به بررسی بیشتری پیرامون سلفی گری و وهابیت دارند را به مراجعه به کتاب «سلفی گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات» چاپ انتشارات مسجد مقدس جمکران راهنمایی می کنیم.

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشه ای ۲ قرآن کریم / چهار رنگ - رحلی خط نیریزی

/ الهی قمشه ای ۳ قرآن کریم / وزیری خط نیریزی / الهی قمشه ای ۴ قرآن کریم / وزیری (با ترجمه) خط عثمان طه / الهی قمشه ای ۵ قرآن کریم / وزیری (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۶ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدّس جمکران ۷ کلیات مفاتیح الجنان / وزیری خط افشاری / الهی قمشه ای ۸ کلیات مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای ۹ کلیات مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای ۱۱ منتخب مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشه ای ۱۲ آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۳ آخرین پناه محمود ترحمی ۱۴ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۵ آشنایی با چهارده معصوم (دو جلد) / شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی ۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۱۸ ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۱۹ از زلال ولایت واحد تحقیقات ۲۰ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۱ الشمس الطالعه علی اصغر رضوانی ۲۲ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۲۳ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات ۲۴ امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۵ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۶ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۲۷ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری ۲۸ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۲۹ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۳۰ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبسی ۳۱ بهتر

از بهار / کودک شمسی (فاطمه) وفائی ۳۲ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاوردی ۳۳ پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۳۴
تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۳۵ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله / دو جلد شیخ
عباس صفایی حائری ۳۶ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / اردو واحد تحقیقات ۳۷ تاریخچه مسجد مقدس جمکران /
انگلیسی واحد تحقیقات ۳۸ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / عربی واحد تحقیقات ۳۹ تاریخچه مسجد مقدس جمکران /
فارسی واحد تحقیقات ۴۰ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۴۱ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام
سید جعفر میرعظیمی ۴۲ جلوه های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور

۴۳ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۴۴ چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام
امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد

۴۵ حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاوردی ۴۶ حکمت های جاوید محمد حسین فهیم نیا

۴۷ ختم سوره های یس و واقعه واحد پژوهش ۴۸ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۴۹ خورشید غایب
(مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۵۰ خوشه های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه)

۵۱ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۵۲ داستان هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد

۵۳ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۵۴ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۵۵ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه
نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره ای ۵۶ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قزلقاشی ۵۷ دین و آزادی محمد حسین
فهیم نیا

۵۸ رجعت احمد علی طاهری ورسی ۵۹ رسول ترک محمد حسن سیف اللهی ۶۰ روزنه هایی از عالم غیب سید محسن
خرّازی ۶۱ زیارت ناحیه

مقدّسه واحد تحقیقات ۶۲ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۶۳ سرود سرخ انار الهه بهشتی ۶۴ سقا خود تشنه دیدار
طهورا حیدری ۶۵ سلفی گری (وهایت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۶۶ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۶۷ سیمای
امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد اللهی ۶۸ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی
مجاهدی (پروانه)

۶۹ شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح ۷۰ صحیفه سجادیه ویرایش حسین وزیری / الهی قمشه ای ۷۱ ظهور
حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی ۷۲ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۷۳ عریضه
نویسی سید صادق سید نژاد

۷۴ عطر سیب حامد حجّتی ۷۵ عقد الدرر فی أخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی ۷۶ علی علیه السلام مروارید
ولایت واحد تحقیقات ۷۷ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۷۸ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر
رضوانی ۷۹ فتنه وهایت علی اصغر رضوانی ۸۰ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۸۱ فروغ تابان ولایت
علی اصغر رضوانی ۸۲ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۸۳ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۸۴ فرهنگ درمان
طبیعی بیماری ها (پخش) حسن صدری ۸۵ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۸۶ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۷
کرامت های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۸ کمال الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور
پهلوان ۸۹ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۹۰ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان
(ملتجی)

۹۱ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی ۹۲ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۹۳ مشکاه
الانوار علامه مجلسی رحمه الله

۹۴ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۹۵ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی ۹۶ منازل الآخره، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۹۷ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۹۸ منشور نینوا مجید حیدری فر

۹۹ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۰۰ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری ۱۰۱ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۱۰۲ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علمامه مجلسی رحمه الله / ارومیه ای ۱۰۳ مهر بیکران محمد حسن شاه آبادی ۱۰۴ مهربان تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۰۵ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۱۰۶ ناپیدا ولی با ما / انگلیسی واحد تحقیقات ۱۰۷ ناپیدا ولی با ما / بنگالا واحد پژوهش ۱۰۸ ناپیدا ولی با ما / ترکی استانبولی واحد پژوهش ۱۰۹ ناپیدا ولی با ما / فارسی واحد تحقیقات ۱۱۰ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۱۱ نشانه های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۱۱۲ نشانه های یار و چکامه انتظار مهدی عزیزاده ۱۱۳ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران ۱۱۴ نهج البلاغه/جیبی سید رضی رحمه الله / محمد دشتی ۱۱۵ نهج البلاغه/وزیری سید رضی رحمه الله / محمد دشتی ۱۱۶ نهج الکرامه گفته ها و نوشته های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری ۱۱۷ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۱۸ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۹ وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۲۰ ویژگی های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۱۲۱ هدیه احمدیه / جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۲۲ هدیه احمدیه / نیم جیبی میرزا احمد

آشتیانی رحمه الله ۱۲۳ همراه با مهدی منتظر بیژن کرمی ۱۲۴ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۲۵ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجتی ۱۲۶ ینابیع الحکمه / عربی - پنج جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب های فوق، می توانید با نشانی:

قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.

پی نوشت ها

(۱) برای آشنایی بیشتر با عقاید انحرافی ابن تیمیه به کتاب سلفی گری (وهابیت و پاسخ به شبهات) چاپ همین انتشارات مراجعه فرمایید.

(۲) ر.ک: تاریخ نجد، آلوسی؛ الصواعق الالهیه، سلیمان بن عبدالوهاب؛ فتنه الوهابیه.

(۳) جزیره العرب فی القرن العشرين، ص ۳۴۱.

(۴) تاریخ المملکه العربیه السعودیه، ج ۱، ص ۵۱.

(۵) المخططات الاستعماریه لمکافحه الاسلام، ص ۷۸.

(۶) همان، ص ۱۰۵.

(۷) تاریخ المملکه السعودیه، ج ۳، ص ۷۳.

(۸) عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۱۲۱، حوادث سال ۱۲۱۶ ه.ق.

(۹) تاریخچه نقد و بررسی وهابی ها، ص ۱۶۲.

(۱۰) مسیر طالبی، ص ۴۰۸.

(۱۱) ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۳۲۵.

(۱۲) تاریخ المملکه السعودیه، ج ۱، ص ۹۲.

(۱۳) الفجر الصادق، ص ۲۲.

(۱۴) سیف الجبر المسلول علی الأعداء، شاه فضل رسول قادری، ص ۲.

(۱۵) تاریخ وهابیان، ص ۳۳.

(۱۶) همان، ص ۷۴.

(۱۷) تاریخ وهابیان، ص ۱۰۷.

(۱۸) سوره بقره، آیه ۲۴۸.

(۱۹) درّ المنتور، ج ۶، ص ۲۰۳.

(۲۰) مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۸.

(۲۱) رحله ابن جبیر، ص ۱۷۳، جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب «وهابیت، مبانی فکری و کارنامه عملی» ص ۱۴۹ - ۱۷۹، تألیف دانشمند فرزانه و فقیه توانا حضرت آیت الله سبحانی.

(۲۲) کشف الارتیاب، ص ۲۷، به نقل از تاریخ الجبرتی.

(۲۳) ر.ک: نصیحتی

لإخواننا النجديين.

(٢٤) ر.ك: تاريخ آل سعود، ج ١، ص ١٥٨؛ كشف الارتباب، ج ٥٥، ص ١٨٧ و ٣٢٤؛ اعيان الشيعة، ج ٢، ص ٧٢؛ الصحيح من سيره النبي الأعظم، ج ١، ص ٨١؛ آل سعود من أين إلى أين، ص ٤٧.

(٢٥) ر.ك: الرسائل العلمية، محمّد بن عبد الوهاب، ص ٧٩؛ تطهير الاعتقاد، صنعاني، ص ١٧؛ فتح المجيد، ص ٤٠ و ٤١؛ كشف الشبهات.

(٢٦) صحيح بخارى، كتاب التوحيد، باب ٥٧، ح ٧١٢٣.

(٢٧) ارشاد السارى، ج ١٥، ص ٦٢٦.

(٢٨) مجموع فتاوى ابن تيميه، ج ١٣، ص ٣٢.

(٢٩) السلفيه بين اهل السنه و الاماميه، ص ٦٨٠.

(٣٠) ردود على شبهات السلفيه، شيخ ديرثوى، ص ٢٤٩.

(٣١) جامع البيان، ذيل آيه شريفه.

(٣٢) مجلّه ميقات، شماره ٤٣، ص ١٩٨، به نقل از روزنامه عكاظ، مورّخ ١١/٩/٨١.

(٣٣) جريده الرأى العام الكويتيه، به تاريخ ٣٠/٦/٢٠٠١. نامه مذکور درسايت هاى مختلف اينترنت قرار گرفته است.

(٣٤) و جاء دور المجوس، ص ٣٥٧.

(٣٥) همان، ص ٣٧٤.

(٣٦) اصول مذهب الشيعة الإماميه، ج ٣، ص ١٣٩٢.

(٣٧) المنهج الجديد و الصحيح فى الحوار مع الوهابيين، ص ١٧٨.

(٣٨) المنهج الجديد و الصحيح فى الحوار مع الوهابيين، ص ١٧٨.

(٣٩) مقدّمه كتاب الشيعة الإماميه فى ميزان الإسلام، ص ٥.

(٤٠) مقدّمه كتاب من سبّ الصحابه و معاويه فأّمه هاويه، ص ٤.

(٤١) مقدمه أصول مذهب الشيعة الإماميه الاثني عشرية، ج ١، ص ٩.

٤٢) انتصار الحق، ص ١١ و١٤.

٤٣) برگزیده اخبار، شماره ١٦، مورخ ٧/٩/٨٠، ص ١٣.

٤٤) فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الإفتاء، ج ١٨، ص ٢٩٨.

٤٥) فتاوی اللجنة الدائمة للبحوث العلمیة و الإفتاء، ج ١٨، ص ٣١٥.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

